

یادداشت

آدرس‌های غلط

برای خروج از هزارتوی بحران آب

عباس کشاورز / حامد پورسپاهی سامیان

در صفحات ۶ و ۷ شماره ۴۸۸۴ مورخ یک مرداد ۱۴۰۳ روزنامه شرق، مقاله‌ای با عنوان «تعلیق آب: کلید حل مشکل ناترازی آب در دست دولت است یا بخش خصوصی؟» منتشر شد و در آن از سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی به عنوان کلید حل مشکل ناترازی آب یاد شده بود. در نوشته حاضر تلاش خواهیم کرد بیان کنم که چرا معتقدم آنچه در مقاله مذکور بیان شده است، آدرس غلطی است؛ به نحوی که شرایط بحران آب کشور را پیچیده‌نیز می‌کند. پیش از ورود به اصل بحث لازم است تأکید کنم نگارنده این سستور نیز رفقدار سرسخت لزوم کاهش وظایف تصدی‌گری دولت، از جمله وزارت نیرو و ایجاد فرصت مناسب بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش خصوصی در مراحل سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و مدیریت منابع آب هستم. بنابراین هدف از نگارش نوشتار حاضر طرح ناآرامی‌های این سیاست نیست، بلکه هدف تفکیک قائل‌شدن بین اصول و راهکارهای اصلی و فرعی است که نباید جایگزین راهکار اصلی شوند. هزارتو در افسانه‌های یونانی سازه‌ای پیچیده بود که توسط صنع‌گر افسانه‌ای، داندالوس و به سفارش پادشاهی به نام مینوس که بر سرزمین کرت حکمرانی می‌کرد ساخته شده بود. در افسانه‌ها گفته شده است که داندالوس این هزارتو را چنان پیچیده طراحی کرده بود که حتی خودش نیز پس از ساخت آن به دشواری توانست از آن خارج شود. بحران آب ایران نیز به‌درستی تبدیل به یک هزارتوی پیچ‌درپیچ شده است که خروج از آن هر روز دشوارتر از دیروز می‌شود. در زمینه بحران آب و یافتن راه‌حل‌های مدیریت آن، بسیار مشاهده می‌شود که افراد مختلف علت‌هایی را به عنوان علل پدیدآورنده این بحران بیان می‌کنند که با علت اصلی نیستند یا اساسا علت نیستند. در نتیجه در پیشنهاد راه‌حل نیز راه‌حل‌هایی را مطرح می‌کنند که آدرس‌های غلط برای یافتن مسیر خروج از بحران آب هستند.

اجازه دهید برای توضیح بیشتر از یک مثال بهره بگیرم. شباهت این مثال به وضعیت بحران آب کشور را نیز در ادامه توضیح خواهیم داد: فرض کنید خانواده کم‌درآمدی که با پیش‌بینی کاهش درآمد و افزایش هزینه مواجه است، وبلخره‌تر از همسایه‌هایش است که از قضا وضعیت اقتصادی بهتری دارد. دروینچرخه خانه به دلیل سال‌ها بی‌توجهی و عدم تعمیر و نگهداری در معرض تخریب است. درحالی‌که در زیرزمین خانه گنج‌کنج آب‌های باستانی در اختیار ساکنان خانه است که به دلیل برداشت بیش‌ازحد، بخش زیادی از این گنج نیز از دست رفته است. ستون‌های خانه نیز که بر این گنج استوار شده بودند، سست شده‌اند. پدر خانواده از مشارکت فرزندان‌ش در امور بانکی مانند افتتاح حساب، با جابه‌جایی پول بین حساب‌ها و… بهره نمی‌برد. خانواده با وجود ولخرجی، منابع خود را در جاهایی هزینه می‌کند که ارزش پایینی برایشان به همراه دارد. قطعا در بحرانی‌بودن وضعیت این خانواده تردیدی نیست. اما چنانچه راه‌حل بحران را «اقدام یکی از فرزندان در امور افتتاح حساب یا جابه‌جایی پول بین حساب‌ها» و نظیر آن بدانیم، طبیعی است که این راه‌حل یک «آدرس غلط» است. اگرچه احتمالا همه ما قبول داریم که بهره‌گیری از ظرفیت فرزندان برای انجام امور خانواده، اقدامی مثبت است. اما راه‌حل بحران و اساسا علت مشکل نیست. علت اصلی بحران این خانواده تکیه بر انجام هزینه زیاد، بدون درک صحیح از ظرفیت مالی، بی‌توجهی به حفظ سرمایه‌ها و تعمیر و نگهداری اجزای خانه‌توام با استمرار اعمال فشار بیش‌ازحد بر منابع ارزشمند کامیاب موجود در زیرزمین خانه و صرف هزینه بدون رعایت اولویت‌ها و شیوه نادرست مصرف است. پس با شناخت علت اصلی بحران راه‌حل اصلی نیز عبارت خواهد بود از: متعادل‌کردن مخارج خانواده به شیوه‌ای که کمترین آسیب به رفاه و سلامتی اعضای خانواده برسد. در اینجا باید گفت اگرچه کشور عزیزمان ناتا خشک و نیمه‌خشک و با ظرفیت آبی محدود است، منابع آب تجدیدپذیر کشورمان نیز از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب در دهه ۷۰ به ۱۰۳ میلیارد مترمکعب (براساس آخرین آمار مورد تأیید وزارت نیرو) کاهش یافته است. بسیاری از نظریات کارشناسی بر این است که منابع آب تجدیدپذیر کشور از این نیز کمتر است؛ و در آینده نیز تحت تأثیر پدیده تغییر اقلیم و ضرورت جبران تخصیص بخشی از آن به حقایبه محیط زیست بیش‌ازپیش کاهش خواهد یافت. تقاضای آب به دلایلی چون رشد جمعیت و نیاز برنامه‌های توسعه رو به افزایش است. جمعیت کشورمان از حدود ۵۰ میلیون نفر در سال ۶۵ درحال‌حاضر به بیش از ۸۵ میلیون نفر رسیده است. طبق شاخص اعلام شده توسط یونسکو، میزان برداشت آب در مقاصد اقتصادی نسبت به منابع آب تجدیدپذیر با قبول ریسک بالا می‌تواند حداکثر ۶۰ درصد باشد؛ این میزان در کشور ما به ۹۲ درصد رسیده است. به عبارت دیگر ما حریصانه منابع آب را به مقاصد اقتصادی برداشت کرده‌ایم اما برای مثال ترکیه که منابع آبی بیشتری نیز نسبت به ما در اختیار دارد فقط حدود ۲۰ درصد از منابع آب خود را برای مصارف اقتصادی برداشت می‌کند. محیط زیست کشور نیز به دلیل نادیده گرفته شدن حقایقه محیط‌زیستی از منابع آب، در شرایط وخیمی قرار دارد. خشک‌شدن رودخانه‌ها، بحران‌های ناشی از خشک‌شدن دریاچه ارومیه و دریاچه‌های طنگ، مهاباد و مهابلو و تالاب‌هاخونی‌مثال‌های این موضوع است. اضافه‌برداشت جمعی از منابع آب زیرزمینی کشور که طی هزاران سال در زیر زمین ذخیره شده‌اند، در خوش‌بینانه‌ترین برآورد به بیش از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب رسیده است. این موضوع موجب ایجاد پدیده موسوم‌به فرونشست زمین شده است که به غیر از استان گیلان تمام استان‌های کشور درگیر آثار و تبعات این پدیده هستند و متأسفانه از نظر نرخ فرونشست زمین کشور ما جزه کشورهای پیشتاز جهان است. بهره‌وری مصرف آب در کشور ما نیز هم از نظر بهره‌وری اقتصادی (ارزش اقتصادی تولیدشده به ازای هر مترمکعب آب مصرف‌شده) و هم از نظر بهره‌وری فیزیکی (محصول تولیدشده به ازای هر مترمکعب آب مصرف‌شده) پایین است. حال که به طور مختصر وضعیت بحران آب کشور بیان شد، می‌توان راه‌حل‌های واقعی (به‌عزم نگارنده) برای بحران آب را نیز به شرح زیر بیان کرد: قبول اصل صرفه‌جویی در مصارف همه بخش‌ها به‌منظور تحقق کاهش برداشت از منابع آب با اتخاذ تدابیری که آسیبی به توسعه و تقویت امنیت غذایی کشور وارد نشود، اولویت اختصاص بخشی از کاهش برداشت برای حل محیط زیست از منابع آب، کاهش برداشت از آب‌های زیرزمینی به منظور کمک به تعادل‌بخشی آن، تکیه بر ارتقای بهره‌وری مصرف آب در همه بخش‌های مصرف.

بنابراین راه‌حل بحران ایرچالش آب کشور را بایستی در اتخاذ تدابیری برای تحقق راه‌حل‌های مذکور جست‌وجو کرد و هرگونه توجیه نظیر نگرش و توجیه ورود و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش آب کشور یا ایجاد بازار آب بدون رعایت اصول فقه‌داری صرف‌نهایی را بر پیگیر بی‌چنان این منبع حیاتی و پایدارکننده سرزمین وارد خواهد کرد و نه‌تنها به رفع ایرچالش آب کشور منجر نخواهد شد، بلکه موجب پیچیده‌شدن شرایط کشور برای خروج از این هزارتو خواهد شد؛ زیرا موجب تشدید ناپایداری سرزمین و بحران‌های زیست‌محیطی و تشدید پدیده تغییر اقلیم (گرم‌ترشدن سرزمین) و افزایش غیرقابل کنترل تقاضای آب (منبعی نیابا) خواهد شد. خوشبختانه در برنامه هفتم توسعه ظرفیت قانونی مناسب نیز برای ایجاد اصلاح برداشت منابع آب و به منظور جبران حق محیط زیست و کسری آب‌های زیرزمینی در نظر گرفته شده است. بااین‌حال این نگرانی بابرچاست که اهداف این برنامه نیز مانند برنامه ششم توسعه، محقق نشده و بی سرانجام بماند. رفع این نگرانی نیازمند پایبندی و حمایت ارکان جامعه و نهادهای مدنی در کنار نهادهای مسئول مدیریت‌تأمین و تقاضای آب به اصول ذکرشده است.

«من به ریاست برسم، قطع به یقین در رابطه با ممنوعیت‌هایی که گذاشته شده و باعث عصبانیت کاربران شده و باعث شده خیلی از شغل‌ها تخریب شود، برخورد خواهیم کرد و با قاطعیت جلوی آن خواهیم ایستاد»؛ این جملاتی است که مسعود پزشکیان به عنوان کاندیدا در مناظرات انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم درباره فضای مجازی بیان کرد. حالا با گذشت بیش از سه ماه از این اظهارات در حالی که او بر مسند ریاست‌جمهوری ننشسته است، در اولین حضورش در جلسه شورای عالی فضای مجازی، جلسه‌ای که گمان می‌رفت کام‌های اولیه برای رفع فیلترینگ برداشته شود، در عین نایابوری دستور به بررسی وضعیت اینترنت و گزارش آن را داد.

رسانه‌ای‌شدن این دستور او که روز گذشته وزیر ارتباطات در حاشیه برنامه فضایی آن را اعلام کرد، سؤال‌های زیادی را به وجود آورده است. از جمله اینکه اگر قرار است تازه مسئولان مربوطه به بررسی وضعیت اینترنت بپردازند و آن را گزارش دهند، پس چرا او در کارزارهای انتخاباتی‌اش روی این نقطه دست گذاشت که از وضعیت اسف‌بار اینترنت باخبر است و اگر رئیس‌جمهور شود، با سیاست‌گذاری مشخص جلوی محدودیت‌های اینترنتی و فیلترینگ بدون ضابطه را می‌گیرد؟ آیا او در این مدت سه گزارش مشخص و مستند انجمن تجارت الکترونیک از وضعیت ناملبوط کیفیت اینترنت (که برای او ارسال هم شده) را ندیده است که با گذشت سه ماه از شروع ریاست‌جمهوری‌اش دستور بررسی وضعیت اینترنت را می‌دهد؟ او که در مناظرات انتخاباتی به شکل مستقیم اعلام کرد «با فیلتر آن ارتباط‌مان را با دنیا قطع کرده‌ایم» چرا در اولین جلسه‌اش در شورای عالی فضای مجازی در مقام رئیس این شورا دستور مشخصی برای رفع فیلترینگ نداده و تنها دستور به بررسی این موضوع و برخورد با فیلترشکن‌ها را صادر کرده است؟ آیا حالا که مسعود پزشکیان به مقام ریاست‌جمهوری رسیده، مانند دیگر دولت‌ها وعده‌های انتخاباتی‌اش قرار است در حد یک قول باقی بماند و مشمول گذر زمان و فراموشی شود؟

نایم‌دتر از گذشته

کیفیت پایین اینترنت و فیلترینگ بخش جدایی‌ناپذیر استفاده از این تکنولوژی از زمان ورودش به ایران بوده، اما در بیش از دو سال گذشته وضعیت کیفیت و محدودیت‌های اینترنت وخیم‌تر از گذشته شده است. کافی است هشتک اینترنت یا فیلترینگ را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید تا متوجه وضعیت اسف‌بار اینترنت کشور شوید. در کنار آن تاکنون انجمن تجارت الکترونیک تهران در سه گزارش به صورت مشخص با ارائه مستندات که مورد تأیید کارشناسان فنی و شبکه است، گزارش داده که وضعیت کیفیت اینترنت ایران روی خط قرمز است و برای زنده‌ماندن اقتصاد دیجیتال در کشور باید سریع‌تر برای این شرایط راه‌حلی در نظر گرفته شود. حتی ایسن انجمن در گزارش خود راهکارهای پیشنهادی‌اش برای خروج از این شرایط را ارائه داده است. از جمله این راهکارها می‌توان به بهبود معماری فنی و ایجاد افزونگی در تمام بخش‌های تأمین پهنای باند در کشور، به رسمیت‌شناختن حق دسترسی به اینترنت بین‌الملل به عنوان حقوق غیرقابل سلب شهروندی، اصلاح قوانین فیلترینگ شامل: متوقف‌کردن فیلترینگ هوشمند، ممنوعیت مسدودیت بر اساس IP یا یک سرویس‌دهنده به صورت سراسری، ممنوعیت فیلترینگ سایت‌های ایرانی دارای مجوز، یکسان‌سازی قوانین میزبانی داخل و خارج از کشور، اصلاح ساختار کمیته مصادیق مجرمانه، بازنگری در لیست سایت‌های فیلترشده و… اشاره کرد.

به جز اینها تاکنون در کارزارهای مختلف و نامه‌های منتشرشده از سوی صنف‌ها و انجمن‌های مختلف در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به رئیس‌جمهوری، وضعیت اسف‌بار اینترنت توصیف شده و از مسعود پزشکیان خواسته شده تا هرچه سریع‌تر به این شرایط با کمک بخش خصوصی سامان دهد. با همه اینها بعد از گذشت تقریبا دو ماه از شروع ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان بدون توجه به همه این گزارش‌ها دستور بررسی وضعیت اینترنت و گزارش آن را داده است.

در تماس «شبکه شرق» با برخی کارشناسان و مدیران فعال در حوزه اینترنت و شبکه برای گرفتن نظر درباره اینکه چه انتظاری از رئیس‌جمهور در شرایط حال اینترنت کشور می‌رود، همه آنها اعلام می‌کنند که حرف جدیدی برای گفتن ندارند و تاکنون بارها مشکلات و راه‌های رفع آن در بخش اینترنت و فیلترینگ

چرا دستور پزشکیان برای بررسی وضعیت اینترنت، ناامیدکننده است؟

آقای رئیس‌جمهور حال اینترنت کشور خوب نیست

سونیتا سراب‌پور



را گفته‌اند. امسا از نظر آنها گوش شنوایی برای حل مشکلات نیست. آنها می‌گویند اینکه رئیس‌جمهوری در زمان نامزدی در انتخابات بگوید از مشکلات باخبر است و در صورت رسیدن به ریاست‌جمهوری آن را حل می‌کند و وقتی به ریاست‌جمهوری می‌رسد، تازه بخواهد صورت‌مسئله را از نو بنویسد، واقعا ناامیدکننده است.

اجماع‌سازی‌ها به کجا رسید؟

ستار هاشمی، وزیر انتخابی مسعود پزشکیان برای وزارت ارتباطات که توانست بدون دردمسر رأی اعتماد مجلس را هم بگیرد، در یک ماه گذشته از شروع فعالیتش در این وزارتخانه سعی کرده درباره اینترنت و رفع فیلترینگ به صورت کلی و بدون ارائه جزئیات دقیق از کام‌های برداشته‌شده در این بخش سخن بگوید.

هاشمی در چندباری که در حاشیه برنامه‌های وزارت ارتباطات در جمع خبرنگاران قرار گرفته، در مقابل سؤال آنها درباره برنامه برای رفع فیلترینگ و بهبود وضعیت کیفیت اینترنت هیچ جزئیات دقیقی ارائه نکرده و تنها به این نکته بسنده کرده که باید اجازه داده شود در شرایط کارشناسی به این موضوعات رسیدگی شود.

در شهریور ماه و زمانی که او وزرات ارتباطات را از عیسی زارع‌پور، وزیر ارتباطات دولت سیزدهم تحویل گرفت، در جمع خبرنگاران و در پاسخ به «شبکه شرق» اعلام کرد: «دغدغه مردم در مورد فیلترینگ را می‌دانیم، با اجماع‌سازی مسئله را رفع می‌کنیم». یک ماه بعد از این اظهارات وقتی که باز هم او در جمع خبرنگاران قرار داشت، در پاسخ به پیگیری «شبکه شرق» که این اجماع‌سازی به کجا رسیده است، بدون ارائه جزئیاتی گفت: «جلسه‌هایی در شورای عالی فضای مجازی در این زمینه برگزار شده است، بگذاردیم موضوع رفع فیلترینگ در فضای کارشناسی دنبال شود». اما چرا با اینکه هشت عضو از ۱۷ عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی را دولتی‌ها تشکیل می‌دهند و از آن سو در کمیته فیلترینگ به جز دو نماینده ناظر مجلس که دولت می‌تواند آنها را با خود همسو کند، شش عضو از ۱۲ عضو را دولتی‌ها تشکیل می‌دهند، مسعود پزشکیان نتوانسته در بیش از یک ماه گذشته به خروجی قابل قبولی در زمینه رفع محدودیت‌های اینترنت و فیلترینگ برسد؟

در پاسخ به این سؤال، یکی از مدیران که می‌خواهد نامی از او برده نشود، به «شبکه شرق» اعلام می‌کند بخشی از مشکل این است که هنوز افراد دیگری که در شورای عالی فضای مجازی و کمیته فیلترینگ از بدنه دولت نیستند و به خاطر تفاوت دیدگاه با دولت اجازه حل برخی مسائل را نمی‌دهند. او در این مورد توضیح می‌دهد: «اینکه دولت تازه می‌خواهد گزارشی از وضعیت اینترنت تهیه کند با اینکه وضعیت به صورت شفاف مشخص است، سؤال‌برانگیز است، اما از طرف دیگر وزارت ارتباطات باید خودش یک گزارش فنی مورد تأیید داشته باشد تا به شورای مجازی برود و بتواند افرادی که از بدنه دولت نیستند و اتفاقا مخالف سیاست‌های دولت‌اند را توجیه کند». به باور او اگر دولت بخواهد واقعا مشکلات را حل کند، برای توجیه این افراد در زمینه

دولت وفاق ملی-دولت هماهنگ

بین بخش‌های مختلف دولت ایجاد و از صدور دستورالعمل‌ها و ابلاغ سیاست‌ها، بخش‌نامه‌ها و برنامه‌های مناقض یا موازی جلوگیری شود.

• در مسئولیت و وظیفه دستگاه‌های دولت بازنگری شود و در صورتی که یک مأموریت واحد به بیش از یک دستگاه واگذار شده، در آن تجدیدنظر و فقط به یک دستگاه واجد شرایط داده شود.
• گسترش مکانیزم و الکترونیزه کردن ارائه خدمات دولت علاوه بر کاهش فساد و تخلفات اداری، کاهش تردد مردم و… می‌تواند در هماهنگ‌سازی دولت در ارائه خدمت به مردم مؤثر واقع شود.
• استاندار‌دسازی روش‌های پاسخ‌گویی و دقیق‌سازی پاسخ به پرسش‌های مردم و رسانه‌ها توسط مسئولان، بخشی از فرهنگ هماهنگ‌سازی دولت است که باید در معاونت حقوقی و پارلمانی یا سازمان رسانه‌ای دولت انجام شود.
مفهوم «دولت هماهنگ» صرفا با توصیه‌های شفاهی و کتبی و صدور بخش‌نامه (گرچه مؤثر است) تحقق‌پذیر نخواهد بود. بلکه باید با آموزش‌های مستمر، پیگیری و نظارت بر دستورالعمل‌ها، توصیه‌ها و ارزیابی و تذکر بهنگام و پیشگیری از تکرار ناهماهنگی‌ها در مسیر تحقق قرار گیرد.
• مرکز خبرسانی دولت در عرصه رسانه‌های مسئولیت اصلی را برعهده داشته باشد.
• «مشیدین طنین و صدای واحد از مسئولان دولتی است که باید در معاونت حقوقی و پارلمانی یا جامعه، مردم و بخش‌های غیردولتی حائز کمال اهمیت است».

و کلام آخر اینکه باید دولت و اعضای آن از عالی‌ترین سطوح مدیریت تا آخرین حلقه‌های مدیریتی در کشور با یک آهنگ و ملودوی وظایف خود در انجام دهند تا دولت وفاق ملی و دولت هماهنگ برای مردم قابل لمس و درک باشد تا مردم عموما و نگاه‌های تولیدی- اقتصادی- تجاری به‌ویژه در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت خود دچار اشتفتگی و سردرگمی نشوند.

• عملکرد واقعی دولت در تصویب و نظم و انضباط و البته همدلی نشان داده می‌شود، قابل ارزیابی برای افکار عمومی است.

شرق

گزارش

۶۵ درصد شغلان

کروز، زنان هستند

درحالی‌که آمار اشتغال زنان در کل کشور فقط ۱۲ درصد و تعداد مردان شاغل بیش از پنج برابر زنان است، شرکت کروز، بزرگ‌ترین تولیدکننده قطعات خودروی کشور، بیش از ۶۵ درصد ظرفیت اشتغال خود را به بانوان اختصاص داده است.

کروز یکی از شاخص‌ترین کارگاه‌های صنعتی و تولیدی کشور است که موفق شده از توان تخصص و مسئولیت‌پذیری زنان بهترین استفاده را برای پیشبرد امور و ایجاد محیطی امن و کارآمد داشته باشد.

کل زنان شاغل در مجموعه کروز ۹ هزارو ۱۱۸ نفر هستند که با احتساب ۱۴ هزار تن دیگر که در این شرکت صنعتی کار می‌کنند، یک جمعیت آماری حدود ۶۵درصدی را شامل می‌شود که رکورد بالایی در صنایع ایران محسوب می‌شود. میانگین سنی زنان شاغل در کروز، ۲۹ سال است. الکترونیک، صنایع، برق، مدیریت، مهندسی رایانه و مکانیک، اصلی‌ترین رشته‌های دانشگاهی و تخصص زنان شاغل در این شرکت است و بیشترین زنان متخصص در بخش‌های نرم‌افزاری، توسعه محصول، امور برنامه‌ریزی، امور تحقیق و نوآوری الکترونیک، مدیریت کار هستند. حضور بزرگ زنان در خط تولید یکی

از شاخص‌ترین مجموعه‌های صنعتی و تولیدی کشور، فرصتی است غنیمت برای تولید قطعات ایمن و دوستدار خانواده و می‌تواند الگوی بی‌بدیلی برای اشتغال زنان در سایر صنایع نیز باشد.

چرا اشتغال زنان بستر توسعه کشور است؟

زنان یکی از گروه‌های مهم اجتماعی متأثر از کیفیت زندگی و درعین‌حال مؤثر بر آن هستند. این گروه عظیم اجتماعی از آنجا که ارتباط مؤثری با گروه‌های اجتماعی جامعه دارد، علاوه‌بر وظایف شخصی و خانوادگی، نقش فعالی را در پیشرفت‌های اجتماعی و توسعه پایدار آن ایفا می‌کنند. زنان نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای در فعالیت‌های اجتماعی دارند. آنان برای تسریع روند تغییر و توسعه پایدار جامعه، مسئولیت بسیار جدی و تعیین‌کننده‌ای برعهده دارند. به همین دلیل، کشورهایی که در مسیر توسعه سازنده قرار دارند به این امر مهم پی برده‌اند که ضرورت ایجاد جامعه سالم در گرو وجود زنان فعال و مؤثر در جامعه است. آموزش زنان و مشارکت آنان نقش مهمی در توسعه کشور دارد.

این‌حضور گسترده، پیامدهای مهمی چون افزایش سطح درآمد خانواده، کاهش بار سرپرستی مردان در خانواده و کاهش فشار اقتصادی بر آنان، بالاقتن عرضه نیروی کار از سوی زنان و به تبع آن کاهش هزینه‌های تولید و خدمات در کل جامعه را در پی داشته و رشد و توسعه اقتصادی را موجب شده است. امروزه با توجه اقتصادی و مکانیزه‌شدن تولید، قدرت فیزیکی و جسمانی در بسیاری از کارها دیگر عامل تعیین‌کننده نیست، برعکس، در بسیاری از جوامع زنان سهم بسزایی در رشد اقتصادی معجزه‌ساز کشور‌هایشان داشته‌اند.

بانوان شهروندان درجه دوم نیستند

یکی از راهبردهایی که برای توانمندسازی زنان استفاده شده است، تأکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفا به مفهوم بهره‌مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه اقتصادی مشارکت فعالانه داشته باشند. درصد بیکاری زنان جوان نقش‌های حیاسیتی افراد در خانواده است. این درحالی است که با توجه به افزایش سطح سواد دختران و نیز درصد پذیرفته‌شدگان دختر دانشگاه‌ها، کاهش بعد خناتور و کاهش قدرت خرید سرپرست خانوار، افزایش سریع نرخ مشارکت زنان در سال‌های آتی قطعی است و باید برای ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، با توجه به سطح سواد و مهارت آنها برنامه‌ریزی شود.

۶۵درصد

صفحه اول

۵